

در نشست هم‌اندیشی سخنرانان هیأت زینندگان - چگونه روحیه انقلابی را ترویج کنیم؟

پناهیان: هر بحث دینی اگر کامل ارائه شود، به ابعاد سیاسی کشیده می‌شود/ ریشه انقلابی‌گری (سیاسی بودن) است/ «اسلام سیاسی» باید به مردم معرفی شود/ اگر مسائل دینی و اخلاقی ابتر مطرح نشوند، همه سیاسی و انقلابی‌اند/ امام: اسلام را بد معرفی کرده‌اند/ پایه شخصیتی انقلابی بودن، محدود کردن دو گرایش است: «راحت‌طلبی» و «لذت‌گرایی مفرط»/ الان مشکل انقلاب ما افکار غربی نیست؛ مشکلش «اسلام راحت‌طلب» است/ باید به مردم بگوییم این «تفکر راحت‌طلبی» شما را نابود می‌کند!

پناهیان: چگونه روحیه انقلابی را ترویج کنیم؟ باید ریشه روحیه انقلابی داشتن را تقویت کنیم گاهی تبلیغ مستقیم جواب نمیده؛ تازه ممکن است به ضد تبلیغ هم منجر شود. پایه شخصیتی انقلابی بودن، محدود کردن دو گرایش است: راحت‌طلبی و لذت‌گرایی مفرط.

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان در سیزدهمین نشست هم‌اندیشی سخنرانان مرتبط با هیأت زینندگان اسلام که در آستانه ماه مبارک رمضان برگزار شد، با موضوع «ترویج روحیه انقلابی» به سخنرانی پرداخت. در ادامه گزیده‌ای از این سخنرانی را می‌خوانید:

اول) هر بحث دینی و اخلاقی اگر کامل ارائه شود، به ابعاد سیاسی کشیده می‌شود

مسائل اخلاقی اگر ابتر مطرح نشوند، همه انقلابی‌اند/ تقریباً همه مباحث دینی و اخلاقی به سیاست ربط دارد

- همیشه مسائل اخلاقی‌ای که ما مطرح می‌کنیم اگر ابتر نباشند، همه انقلابی هستند. مثلاً وقتی ما بحث «حسادت» را مطرح کنیم اگر در مورد حسادت، ابتر صحبت نکنیم، به بحث ولایت و ولایت‌مداری می‌رسد و به بحث جنایت‌های بزرگی که بعضی‌ها در طول تاریخ از سر حسادت علیه انقلاب اسلامی پیامبر(ص) و ائمه هدی(ع) انجام داده‌اند.
- همچنین موضوع «خدمت به هم‌نوعان» یا «صدقه دادن» و هرگونه «گذشت و فداکاری» را اگر ابتر مطرح نکنیم، حتماً به استکبارستیزی منجر خواهد شد. در مباحث دینی و اخلاقی، تقریباً بحثی نیست که به سیاست ربط نداشته باشد.

اگر مبلغی، یک بحث دینی مطرح کند و بُعد سیاسی‌اش را نگوید، خیلی هنر به خرج داده! امام: و الله اسلام تماش سیاست است؛ اسلام را بد معرفی کرده‌اند

- فکر می‌کنم اگر یک مبلغ ارجمند، بحثی را مطرح کند ولی بُعد سیاسی‌اش را نگوید، خیلی زحمت کشیده و خیلی هنر به خرج داده است؛ چون خیلی کار سختی است که شما یک حرف دینی را بزیند اما ابعاد سیاسی‌اش را نگوید. این کار خیلی بزرگی است؛ باید به آن مبلغ جایزه داد! و در طول تاریخ به عموم مبلغان باید این جوایز تعلق بگیرد که توانسته‌اند کاری کنند که حضرت امام(ره) در آن دوره فرمودند: «و الله اسلام تماش سیاست است؛ اسلام را بد معرفی کرده‌اند» (صحیفه امام/ ۱/ ۲۷۰) هم «والله» فرمودند و هم اینکه «اسلام هم‌ماش سیاست است» و در جای دیگری برای توجیه اذهان فرمودند: «اسلام دین سیاست است قبل از اینکه دین معنویات باشد» (صحیفه امام/ ۶/ ۴۶۷) و «مسائل اسلام، مسائل سیاسی است و سیاستش غلبه دارد بر چیزهای دیگرش» (صحیفه امام/ ۱۳/ ۳۳۳).

چرا با طرح بحث «نماز جماعت» معنای ولایت‌مداری به ذهن مردم متبادر نمی‌شود؟/ مردم از نماز جماعت اصلاً برداشت سیاسی ندارند

- ما این قدر هنرمند هستیم که همین موضوع مسجد را توانسته‌ایم کاری کنیم که وقتی مردم مسجد و نماز جماعت به ذهنشان می‌آید، معنای ولایت‌مداری به ذهنشان متبادر نشود؛ این زحمتی بوده که ما کشیده‌ایم! آیا مسجد برای عبادت فردی و نماز فردی بنا شده است؟ نه! مسجد برای عبادت دسته‌جمعی بنا شده؛ یعنی نماز جماعت. و نماز جماعت هم اصلش تبعیت از امام است. ببینید در احکام بسیار سختگیرانه نماز، چقدر با نماز جماعت تقیید ایجاد می‌شود! هر انسان حکیمی که از حداقل حکمت برخوردار باشد - حتی فردی که از دین خارج است - وقتی به مسجد نگاه کند، می‌گوید: «چرا باید این کار را بکنند که روزی سه یا پنج مرتبه به مسجد بروند و تبعیت از امام جماعت را تمرین کنند؟»

- اگر نتوان این برداشت را از نماز جماعت داشت، در سخن امام باقر علیه السلام تناقض پیش می‌آید که فرمود: لَمْ يُبَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودَى بِالْأَوْلَايَةِ (بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُبَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودَى بِالْأَوْلَايَةِ؛ کافی/ ۱/ ۲) اگر ولایت اصل است، این اصل باید در این فروع حضور جدی و پررنگ داشته باشد، ولی مردم الآن از نماز جماعت اصلاً برداشت سیاسی ندارند.

هر بحث دینی ما اگر کامل ارائه شود، به ابعاد سیاسی کشیده می‌شود/ هر صفت اخلاقی را وقتی توسعه دهیم؛ می‌شود «سیاسی»

- خلاصه عرض بنده این است که هر بحث دینی ما اگر کامل ارائه شود، کارش به ابعاد سیاسی کشیده خواهد شد. یک نمونه دیگرش «صدقه» است. صدقه دادن هفتاد بلا را برطرف می‌کند چون خدا به شدت دوست دارد از فقرا دستگیری شود. و معلوم است که اگر کسی علیه فقر قیام کند و علیه «تولیدکنندگان فقیر» قیام کند یعنی «مرگ بر استکبار» بگوید، ثوابش از صدقه دادن بیشتر است. نمی‌شود که آدم عقلش را به کار نیندازد! در این صورت می‌شود همان دین متحجری که ما همه از آن بدمان می‌آید. در هر صفت اخلاقی - مثلاً نوع دوستی - وقتی توسعه‌اش بدهیم؛ می‌شود «سیاسی»
- پس یک بحث بنده به‌طور مشخص این است که ما اگر مباحث اخلاقی و مباحث مختلف خودمان را به صورت کامل بیان کنیم؛ این حتماً سیاسی خواهد شد.

دوم) ریشه انقلابی‌گری «سیاسی بودن» است

ریشه انقلابی‌گری «سیاسی بودن» است / مخاطبان ما اول باید «سیاسی» شوند، بعد انقلابی شوند

- بحث دوم بنده این است که ریشه انقلابی‌گری «سیاسی بودن» است. ما نباید تعارف کنیم! کلمه سیاست به یک کلمه نجس و منفور تبدیل شده است؛ به حدی که وقتی من بخوام بگویم «پیامبر اکرم(ص) کار سیاسی کردند» باید عذرخواهی کنم و بگویم: نمود باالله! زبانم لال! یا اگر بخوام بگویم «پیامبر(ص) برای قدرت کار کردند» باید عذرخواهی کنم و بگویم «نمودبالله» تا یک‌وقت برداشت بد نشود! چرا این‌گونه است؟ برای اینکه کلمه سیاست و قدرت - در اذهان عمومی - منفور شده است. پس مخاطبان ما اول باید «سیاسی» شوند، و بعد انقلابی شوند.

درباره «سیاسی بودن اسلام» باید به سراغ «تاریخ اسلام» برویم

- به طور مشخص درباره «سیاسی بودن اسلام» ما باید به سراغ تاریخ اسلام برویم. در اینجا چند نمونه کوچک را عرض می‌کنم. بنده بسیاری از اوقات تجربه کرده‌ام که بسیاری از متدینین ما از برخی مسائل مهم در تاریخ اسلام خبر ندارند. و اخیراً دیدم که مقام معظم رهبری همین مطلب را با روحانیون محترم مطرح کردند؛ همین حرفی که من ناقص می‌گویم، ایشان درست و کامل فرمودند که «به تاریخ اسلام مراجعه کنید»
- در جریان «پیمان عقبه دوم» هفتاد و چند نفر از مردم مدینه خدمت رسول خدا(ص) آمدند که از حضرت دعوت کنند که «یا رسول الله؛ ما حاضریم از شما دفاع کنیم» و بعد هم رسول گرامی اسلام(ص) بر سه موضوع با آنها قرارداد بستند که هر سه سیاسی است. یکی اطاعت از پیامبر، یکی از جان گذشتن در دفاع از پیامبر(ص)، و دیگری هم درباره جانشینی پیامبر(ص) که در قدرت سهیم نیستند(اوس و خزرج) که البته آن اتفاقی که در سقیفه افتاد در واقع نقض این پیمان بود.

اولین اقدام پیامبر(ص) بعد از پیمان عقبه دوم چه بود؟! / امام: اسلام را بد معرفی کرده‌اند!

- اما رسول گرامی اسلام(ص) بعد از این پیمان اولین اقدامی که کردند چه بود؟ این نقطه حساسی از تاریخ اسلام است. اینکه حضرت امام(ره) می‌فرماید «اسلام را بد معرفی کرده‌اند»(صحیفه امام/۲۷۰/۱) یک نمونه‌اش این است. هیچ‌کس نمی‌داند اولین اقدام پیامبر چه بود؟ وقتی این‌را از مخاطبین می‌پرسیم، در پاسخ می‌گویند: «مسجد ساختند» در حالی که مسجد را بعد از هجرت ساختند.
- محل پیمان عقبه در یکی از خانه‌های عبدالمطلب است؛ که در یک دره‌ای بین منا و مکه واقع شده بود. دو نفر نهبان دم شیار دره ایستاده‌اند؛ حضرت علی علیه السلام و حضرت حمزه، که مشرکین را پراکنده می‌کنند و می‌گویند «اینجا خبری نیست» حالا پیامبر(ص) در این موقعیت، چگونه می‌توانستند مسجد بسازند؟!

اولین اقدام پیامبر(ص) این بود که ۱۲ رئیس برای ۱۲ ناحیه مدینه تعیین کردند

- اولین اقدام این بود که ۱۲ نفر رئیس برای ۱۲ ناحیه مدینه اعلام کردند. بعد فرمودند: اسم‌ها را جبرئیل امین آورده است. کسی ناراحت نشود که نامش اعلام نشده؛ جبرئیل امین نام‌ها را می‌آورد. (فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَخْرَجُوا إِلَيَّ مِنْكُمْ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا يَكْفُلُونَ عَلَيْكُمْ بِذَلِكَ مَا أَخَذَ مُوسَى مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا فَقَالُوا اخْتَرْنَا مِنْ شَيْئْتِ، فَاشَارَ جَبْرِيْلُ ع إِلَيْهِمْ فَقَالَ هَذَا هَذَا نَقِيبٌ بِذَلِكَ مَا أَخَذَ مُوسَى مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا فَقَالُوا اخْتَرْنَا مِنْ شَيْئْتِ، فَاشَارَ جَبْرِيْلُ ع إِلَيْهِمْ فَقَالَ هَذَا هَذَا نَقِيبٌ وَ هَذَا نَقِيبٌ) (اعلام‌الوری/۶۰) (و لا یجدن أحد منكم فی نفسه أن یؤخذ غیره فانما یختار لی جبرئیل؛ طبقات‌الکبری/۴۵۲/۳)
- بگو: یا رسول الله! کسی که الان از شما کار سیاسی نخواست؛ مردم که هنوز مسلمان نشده‌اند. مردم داشتند زندگی خود را می‌کردند. شما به رئیس ناحیه درست کردن چه کار دارید؟! اصلاً اینها که الان مسلمان نیستند!

نمی‌شود فرماندار یک منطقه، ساز خودش را بزند و مبلغ فقط مردم را به اخلاق دعوت کند/مردم برداشت سیاسی از اسلام ندارند؛ چون سیاست را در متن تاریخ اسلام توضیح نداده‌ایم

- یک مبلغ دینی وقتی به محله‌ای برود، نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد که شهردار یا فرماندار کیست. خنده‌دار نیست که شهردا و فرماندار ساز خودش را بزند و مبلغ هم برود آنجا و مردم را به اخلاق دعوت کند؟! حضرت امیر(ع) می‌فرماید مردم به مدیرانشان شبیه‌ترند

تا به پدرانشان(النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ تحف العقول/۲۰۸) آتوق می‌شود کسی که دغدغه دین و اخلاق مردم را دارد، نسبت به شهردار فرماندار بی‌تفاوت باشد؟!

- ما اصلاً برداشت این‌طوری از اسلام نداریم؛ چون سیاست را در متن تاریخ اسلام توضیح نداده‌ایم. خیلی‌ها نمی‌دانند که پیامبر گرامی اسلام(ص) بعد از هجرت فرمود: هر که مسلمان و مؤمن می‌شود باید به مدینه بیاید. شما می‌دانید که بعد از فتح مکه آزاد شد که کسی مسلمان بشود و هجرت نکند؛ قبلش هجرت واجب بود!
- (لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ مُشْرِكٍ أَشْرَكَ بَعْدَ مَا أَسْلَمَ عَمَلًا حَتَّى يُفَارِقَ الْمُشْرِكِينَ إِلَى الْمُسْلِمِينَ؛ میزان‌الحکمه/۲۱۱۰۴؛ کنز‌العمال/۴۶۲۵۳) (لَا تَعْرَبْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَلَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ؛ کافی/۴۳۲/۵) (حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ التَّعْرَبَ بَعْدَ الْهَجْرَةِ لِلرُّجُوعِ عَنِ الدِّينِ وَ تَرْكِ الْمَوَازِرَةِ لِللَّيْثِيَاءِ وَ الْحَجَّ عَ وَ مَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ وَ إِنْطَالِ حَقِّ كُلِّ ذِي حَقٍّ...؛ من‌لایحضره‌الفقیه/۴/۵۶۶)

«اسلام سیاسی» باید به مردم معرفی شود/ گفتن برخی جزئیات تاریخ اسلام، باعث تعجب مردم می‌شود!

- حتی گاهی اوقات گفتن جزئیات تاریخ اسلام، مردم را تکان می‌دهد و نگاه مردم را عوض می‌کند. رسول خدا(ص) اعلام فرمودند- نه تنها باید بیایید در مدینه ساکن شوید- بلکه کسی حق ندارد بدون اذن پیامبر از مدینه خارج شود! بعدش برخی از ایشان پرسیدند: اینکه نباید خارج شویم، دقیقاً مرز حومه مدینه کجاست؟ برای اینکه مردم بدانند این قضیه جدی بوده، رسول خدا(ص) کسی را تعیین کردند که برود علامت بگذارد که مرز حومه مدینه کجاست؛ علامت‌هایی که ما همین الان برای شهرهای خودمان نداریم. رسول خدا(ص) این کارها را برای قدرت اسلام انجام دادند!
- اسلام سیاسی و جایگاه سیاست در اسلام باید معرفی شود. پایه انقلابی بودن سیاسی بودن است. رسول گرامی اسلام(ص) بعضی از اوقات دعوت می‌کردند، نه به «لاله الا الله»؛ بلکه به دفاع از خودشان. می‌فرمودند حتی من با عقاید شما کاری ندارم؛ شما اگر دین من را هم نپذیرفتید اشکال ندارد.(كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَعْزِضُ نَفْسَهُ عَلَى قِبَائِلِ الْعَرَبِ فِي كُلِّ مَوْسِمٍ وَ يَكَلِّمُ كُلَّ شَرِيفٍ قَوْمٍ لَا يَسْأَلُهُمْ مَعَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يُؤْوَهُ وَ يَمْنَعُوهُ وَ يَقُولُ «لَا أُكْرِهَ أَحَدًا مِنْكُمْ عَلَى شَيْءٍ، مَنْ رَضِيَ مِنْكُمْ بِالذِي أَدْعُوهُ إِلَيْهِ فَذَاكَ وَ مَنْ كَرِهَ لَمْ أُكْرِهْهُ» إِنَّمَا أُرِيدُ أَنْ تَحْرُرُونِي مِمَّا يُرَادُ بِي مِنَ الْقَتْلِ، حَتَّى أُبَلِّغَ رِسَالَاتِ رَبِّي؛ اعلام‌الوری/۱۳۳/۱)

دعوت‌های سیاسی پیامبر اکرم(ص) برای مردم بیان نشده/ تلاش شده که اسلام، غیرسیاسی معرفی شود

- دعوت‌های سیاسی پیامبر اکرم(ص) برای مردم بیان نشده؛ به حدی که وقتی اینها را به مردم می‌گوییم؛ به شدت تعجب می‌کنند. به‌خاطر اینکه در طول سالها تلاش شده است که این اسلام، غیرسیاسی معرفی شود و واقعاً هم در این امر، موفق بوده‌اند.

روز مبعث روز سیاست است یا اخلاق؟! در بعثت دعوا سر اخلاق نبوده؛ دعوا سر قدرت بوده

- همیشه ترجیح‌بند حرف‌هایم این است که می‌گویم: «روز مبعث روز سیاست است یا اخلاق؟» ظاهراً شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام کرده است که روز مبعث روز اخلاق است. بنده در هر جمع باسواد و کم‌سوادی حاضر شده‌ام، از آنها پرسیده‌ام: «روز مبعث به یاد چه حدیثی می‌افتید؟» و آنها گفته‌اند: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» در حالی که یک محقق ارجمند تحقیق کرده است که ناقل این حدیث، فقط ابوهیرره است. البته تواتر معنوی دارد، یعنی معنایش به صورت‌هایی در جاهای دیگر گفته شده است ولی ابوهیرره را که شما می‌شناسید کیست؟ فلسفه وجودی او تحریف دین است. چرا باید این حدیث را به این صراحت از رسول

خدا(ص) نقل کند که هیچ کدام از مجامع روایی ما نقل نکرده‌اند؟ البته حدیث مشهوری است، و انگار تسامح در ادله سنن هم اقتضا کرده و ما میدان داده‌ایم.

- در بعثت که دعوا سر اخلاق نبود. مگر قبل از بعثت اخلاق را نمی‌فهمیدند؟ پیامبر(ص) امین مردم بودند. بعثت یعنی «قدرت به دست گرفتن برای رهاندن مردم از اسارت طاغوت‌ها» و آنها هم سر قدرت-با پیامبر(ص)- دعوا داشتند.

بخش‌های سیاسی تاریخ اسلام رازهایی دارد که اوج معارف دینی ماست/ اخلاق حداقلی را سریال‌های کره‌ای و ژاپنی هم می‌توانند به مردم بگویند!

- در تاریخ اسلام وقتی انسان وارد مباحث سیاسی می‌شود، یک عجایی را می‌بیند که نمی‌تواند بالای منبر بگوید. شما بسیاری از عجایب سیاسی زمان امیرالمؤمنین(ع) را نمی‌توانید بالای منبر بگویید؛ حتی حزب‌اللهی‌ها هم ممکن است نپذیرند! ممکن است همان اعتراضات مالک اشتر را به امیرالمؤمنین(ع) بگویند. اصلاً ممکن است تصور کنند حضرت علی(ع) فرد ساده‌ای بوده است! و اگر شما جرأت کردید تاریخ امیرالمؤمنین(ع) را یک‌طوری بگویید که مردم بگویند «یا علی؛ تو سیاست نداری!» آن وقت تاریخ اسلام را درست گفته‌اید. چون مردم زمان خود امیرالمؤمنین(ع) گفتند «یا علی تو سیاست نداری!» مگر ایشان چه کار می‌کرده که مردم این را می‌گفتند؟ (قال علی(ع): لَقَدْ قَالَتْ قُرَيْشٌ: إِنَّ عَلِيًّا رَجُلٌ شَجَاعٌ [وَ] لَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحُرُوبِ؛ ارشاد مفید/ ۲۸۰/۱) و (يَقُولُونَ إِنَّ عَلِيًّا كَانَ لَهُ جَمْعٌ عَظِيمٌ فَفَرَّقَهُ وَ حِصْنٌ حَصِينٌ فَهَدَمَهُ... إِذْنُ كَانَ ذَلِكَ هُوَ الْحَزْمُ؛ وقعه صفین/ص/۵۲۹) و (وَ اللَّهُ مَا مُعَاوَنَةٌ بِأُذْهِ مَنِّي وَ لَكِنَّهُ يُعَدِّرُ وَ يُفَجِّرُ وَ لَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْعَدْرِ لَكُنْتُ مِنْ أَدْهِى النَّاسِ؛ نهج البلاغه/ خطبه ۲۰۰)

- بخش‌های سیاسی تاریخ اسلام رازهایی دارد که اوج معارف دینی ماست. اگر ما توانستیم اینها را بگویم مردم تازه عمق اسلام را می‌فهمند و الا اخلاق معمولی را که سریال‌های کره‌ای و ژاپنی و اوشین و جومونگ و اینها هم می‌توانند یک چیزهای اخلاقی در بیاورند؛ اینها که هنر نیست.

سوم) پایه شخصیتی انقلابی بودن، مخالفت با دو گرایش است: راحت‌طلبی و لذت‌گرایی مفرط

پایه شخصیتی انقلابی بودن، مخالفت با دو گرایش است: راحت‌طلبی و لذت‌گرایی مفرط

- مبحث سوم این است که پایه شخصیتی انقلابی بودن مخالفت با دو گرایش برجسته یا لااقل محدود کردن آنهاست؛ اول «راحت‌طلبی و عافیت‌جویی»، و دوم «لذت‌گرایی مفرط» و لذت‌طلبی که بخواهد به هرزگی منجر شود. البته ما راحت و لذت را به‌طور مطلق نفی نمی‌کنیم؛ بلکه اسلام راه بهتر لذت بردن را به آدم نشان می‌دهد. از امام صادق(ع) پرسید: **أَيْنَ طَرِيقُ الرَّاحَةِ؟** حضرت فرمود: **فِي خِلَافِ الْهَوَى (تحف العقول/ص/۳۷۰)**

گاهی تبلیغ مستقیم روحیه انقلابی جواب نمیدهد/ باید پایه شخصیتی انقلابی بودن را بیان کنیم

- ما به این مسائل توجه داریم؛ اما وقتی بخواهیم روحیه انقلابی‌گری را تقویت کنیم، باید ریشه روحیه انقلابی داشتن را تقویت کنیم گاهی تبلیغ مستقیم جواب نمی‌دهد؛ تازه ممکن است به ضد تبلیغ هم منجر شود. پایه شخصیتی انقلابی بودن، محدود کردن دو گرایش است: راحت‌طلبی و لذت‌گرایی مفرط

بسیجی اگر اهل کوهنوردی نیست و راحت طلب است، انقلابی نیست

- ما باید پایه‌های انقلابی بودن را بیان کنیم. مثلاً بنده به بسیجی‌هایی که هفته‌ای یکبار صبح زود بلند نمی‌شوند به کوه بروند، اعتراض می‌کنم که «تو راحت‌طلبی و اسم خودت را گذاشته‌ای انقلابی! از تو انقلابی در نمی‌آید. الان یک هیجان‌داری، اما وقتی پایش برسد، مردش نیستی؛ چون راحت‌طلب هستی!»

امام(ره): در اسلام از اول دو خط بوده؛ اسلام راحت‌طلبی و اسلام انقلابی/ امروز هم جامعه دچار همین معضل است

- یک‌بار خدمت مقام معظم رهبری، درباره بحث راحت‌طلبی سخنرانی داشتم و عرض کردم، حضرت امام(ره) در یکی از تحلیل‌های سیاسی خود فرموده‌اند: در اسلام از اول دو خط بوده؛ یکی اسلام راحت‌طلب یکی اسلام دیگری-که البته آنرا توضیح کامل نمی‌دهند- که همان اسلام انقلابی است. (از صدر اسلام تاکنون دو طریقه، دو خط بوده است. یک خط، خط اشخاص راحت‌طلب که تمام همّت‌شان به این است که یک طعمه‌ای پیدا بکنند و بخورند و بخوابند و عبادت خدا هم آنهايي که مسلمان بودند می‌کردند...یک دسته این‌طور هستند، [یعنی راحت‌طلب هستند.] حضرت امیر(ع) از اینها تعبیر می‌کند که اینها هم‌شان علف‌شان است...» (صحیفه امام/۵۱۹/۱۴)

- امروز هم جامعه دچار همین معضل است. در انتخابات هم مردم بر همین اساس رأی می‌دهند. زمان امام حسن مجتبی علیه السلام هم حضرت فرمودند که مردم راحتی می‌خواهید یا برویم جنگ؟ مردم گفتند که ما راحتی می‌خواهیم، شعارشان چه بود؟ اینکه ما بقا را می‌خواهیم. آقا فرمود: همین را می‌خواهید؛ و رفتند و پذیرفتند. ما نباید بگذاریم این اتفاق بیفتد (فَإِنْ أَرَدْتُمْ الْحَيَاةَ قَلْبَانًا مِنهُ وَ أَعْصَصْنَا عَلَى الْقَدَى وَ إِنْ أَرَدْتُمْ الْمَوْتَ بَدَلْنَا فِي ذَاتِ اللَّهِ وَ حَاكَمْنَا إِلَى اللَّهِ فَتَادَى الْقَوْمُ بِأَجْمَعِهِمْ بَلِ الْبَيْتِيُّ وَ الْحَيَاةُ؛ اعلام‌الدین/۲۹۳)

راحت‌طلبی یک فرهنگ است/ باید ریشه راحت‌طلبی را سوزاند

- راحت‌طلبی یک فرهنگ است. راحت‌طلبی را باید ریشه‌اش را سوزاند. بنده برای رسیدن این روحیه انقلابی، به‌طور غیرمستقیم بر روی راحت‌طلبی-که ریشه انقلابی نبودن است- کار می‌کنم. گفت: چوب را که بلند می‌کنی گربه زده حساب کارش را می‌کند. حالا برخی از نمونه‌هایش را عرض کنم.
- شما می‌دانید که در اسلام از بیرون نان خریدن مکروه است. آرد خریدن هم مکروه است؛ فقر می‌آورد. باید گندم را در خانه آرد کنی. یکی از فلسفه‌هایش این است که انسان از راحت‌طلبی فاصله بگیرد. (شِرَاءُ الْجَنْطَلَةِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ شِرَاءُ الدَّقِيقِ يُشْفِي الْفَقْرَ وَ شِرَاءُ الْخُبْزِ مَخْقٌ قَالَ قَلْتُ لَهُ أَبَافَاكَ اللَّهُ فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى شِرَاءِ الْجَنْطَلَةِ قَالَ ذَاكَ لَنْ يَقْدِرَ وَ لَا يَفْعَلُ؛ کافی/۱۶۶/۵)

بالای منبرها فقط به مباحث عقیدتی پرداخته‌ایم؛ باید به مسائل زندگی بپردازیم

- ما بالای منبرها فقط به مباحث عقیدتی پرداخته‌ایم؛ ما باید به مسائل زندگی بپردازیم. امام صادق علیه السلام در توحید مفضل توضیح می‌دهند که چرا انسان وقتی می‌خواهد یک نان بخورد باید سه مرحله زحمت بکشد تا به نان برسد؟ چرا وقتی یک داروی گیاهی می‌خواهد باید چند مرحله زحمت بکشد، چرا وقتی میوه می‌خواهد باید سه مرحله زحمت بکشد؟ بعد امام صادق(ع) می‌فرماید: اگر یک‌جایی مهمان باشی، بعد از سه روز خسته و دلزده می‌شوی که خودت را به زحمت نینداخته‌ای، لذا بلند می‌شوی و خودت را به زحمت می‌اندازی و می‌گویی: یک کاری بدهید من انجام دهم. بعد می‌فرماید: انسان باید در دنیا به زحمت بیفتد.

فَاتَبَهُ خَلْقَ لَهُ الْحَبِّ لِطَعَامِهِ وَ كَلَّفَ طَحْنَهُ وَ عَجَنَهُ وَ خَبَزَهُ وَ خَلَقَ لَهُ الْوَبْرَ لِكِسْوَتِهِ فَكَلَّفَ نَدْفَهُ وَ غَزَلَهُ وَ نَسَجَهُ وَ خَلَقَ لَهُ الشَّجَرُ فَكَلَّفَ غَرْسَهَا وَ سَقِيَهَا وَ الْفَيْتَامَ عَلَيْهَا وَ خَلَقَتْ لَهُ الْعَقَاقِيرُ لِأَدْوِيَّتِهِ فَكَلَّفَ لِقَطْعَهَا وَ خَطْلَهَا وَ صُنْعَهَا ... لَوْ أَنَّ امْرَأًا نَزَلَ بِقَوْمٍ فَأَقَامَ حِينًا بَلَغَ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ مَطْعَمٍ وَ مَشْرَبٍ وَ خِدْمَةٍ لَتَبَرَّمَ بِالْفِرَاعِ وَ نَارَعَتَهُ نَفْسُهُ إِلَى الشَّاعُلِ بِشَيْءٍ؛ توحيد مفضل/۸۶)

رفاه طلبی، غرب زدگی می آورد

- امام صادق (ع) فرمود: انسان باید خودش را به سختی بیندازد. اصلاً خداوند زندگی او را این گونه طراحی کرده است. ما اگر در خانه خودمان به بچه نشان دهیم که برای یک لقمه نان، چه زحمتی باید بکشد؛ این بچه آماده می شود که انقلابی شود، سخت کوش شود. رفاه طلبی، غرب زدگی می آورد؛ آدم را کور از دیدن حقایق، کور می کند.
- مقام معظم رهبری روایتی را در هیئت دولت فرمودند که پیامبر اکرم (ص) هر موقع جوانی را می دیدند و به او علاقه پیدا می کردند بلافاصله می پرسیدند که او چه هنری و فنی دارد؟ تا می گفتند که او هنری ندارد می فرمودند: سقط من عینی؛ از چشم افتاد. (بیانات ۹۴/۶/۴) حالا برای بچه مذهبی ها بقیه این روایت را هم می شود خواند. می گویند: یا رسول الله برای چه فرمودید که سقط من عینی؟ فرمودند: برای اینکه می ترسم از دین و ایمانش ارتزاق کند (كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا نَظَرَ الرَّجُلَ فَأَعَجَبَهُ قَالَ هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ فَإِنْ قَالُوا لَا قَالَ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي قِيلَ وَ كَيْفَ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنْ الْمُؤْمِنُ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَبِيشُ بِدِينِهِ؛ جامع الاخبار/۱۳۹) حزب اللهی نمی تواند بگوید: «من حزب اللهی، عقیده ام درست است، همه باید نوکر من باشند!» تو که عرضه نداری، من چه کارت کنم؟!

الان مشکل انقلاب ما افکار غربی نیست؛ مشکلش اسلام راحت طلب است/ باید به مردم بگویم این «تفکر راحت طلبی» شما را نابود می کند!

- ما در بین زرتشتی ها هم می توانیم علیه راحت طلبی، زرتنگ بازی و علیه چیزی که مبنای ضدانقلابی گری قرار می گیرد، صحبت کنیم. الان مشکل انقلاب ما افکار غربی نیست؛ مشکلش اسلام راحت طلب است. نماینده های برجسته اش هم می دانید چه کسانی هستند؟ عوام فریبی را دارند و رأی شان هم تا حدی رأی حقیقی است. ولی ما باید به مردم بگویم این «تفکر راحت طلبی» شما را نابود می کند، باید علیه راحت طلبی حرف بزنیم. امام زین العابدین (ع) فرمود: چرا چیزی که خدا نیافریده تقاضا می کنید؟ گفتند ما چه چیزی را تقاضا می کنیم که خدا نیافریده؟ فرمود: خدا راحتی را در دنیا نیافریده، چرا برای راحتی دعا می کنید؟ (وَ لَا تَطْلُبُ مَا لَمْ يُخْلَقْ... وَ الرَّاحَةُ لَمْ تُخْلَقْ فِي الدُّنْيَا وَ لَا لِأَهْلِ الدُّنْيَا؛ خصال صدوق ۶۴/۱)
- بنده در جایی سخنرانی می کردم، دو تا مثال برای راحت طلبی زدم. گفتیم برای اینکه با راحت طلبی مبارزه کنید یکی درس بخوانید و یکی ورزش کنید. می خواستم بگویم «یکی هم نماز» که بعد دینی اش را هم گفته باشم، اما به یک دلیلی نگفتم. بعد از جلسه یکی از بزرگان فرمودند: «من می خواهم یک مثال به مثال هایت اضافه کنم. برنامه برای مبارزه با راحت طلبی، درس و ورزش درست است، نماز را هم اضافه کن، چون نماز هم سخت است.» یادم آمد که بنده در تلویزیون رفته گفتم «نماز سخت است»: جلسه بعدش یکی از اساتیدی که برای آن برنامه دعوت کرده بودند، می گفتند: نه نماز سخت نیست؛ نماز عشق بازی با خداست. در حالی که مقام معظم رهبری هم یکبار در بیاناتشان فرمودند «نماز سخت است؛ ساده نیست، راحت نیست.» نماز برنامه ای است برای مبارزه با هوای نفس. امیرالمؤمنین فرمودند: «فَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ تَنْزِيهًا عَنْ الْكِبَرِ» (نهج البلاغه/ حکمت ۲۵۲)

زندگی سخت است! لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ هر کسی باور نکند که زندگی سخت است سختی دین را هم نخواهد پذیرفت

- تتمه صحبت بنده هم این است که هر کسی معنای حقیقی «زندگی» را درک نکند، معنای حقیقی «بندگی» را هم درک نخواهد کرد. هر کسی باور نکند که زندگی سخت است، سختی دین را هم نخواهد پذیرفت. خیلی ها هستند که بی دینی شان به همین علت است. زندگی سخت است! «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد/۴) من دارم درباره پایه انقلابی گری صحبت می کنم. پایه انقلابی گری این است «بَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق/۶). باید تکلیف مخاطب خود را با سختی های زندگی مشخص کنیم. می فرماید: «وَمَنْ نَعْمَرَهُ نُنَكِّسُهُ فِي الْخَلْقِ أَوْ فَلَا يَعْقِلُونَ» (یس/۶۸) و «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹) سعی در لغت به «تلاش سخت» می گویند. دنیا این است.

زندگی سخت است؛ دین که تقصیری ندارد! دین می گوید: سختی کوچک را استقبال کن تا سختی بزرگ سراغت نیاید

- زندگی سخت است؛ دین که تقصیری ندارد! دین می گوید: تو در این سختی چگونه می توانی بهره ببری و کمتر صدمه بخوری و سختی کمتر بکشی؟ دین این کار را می کند. دین مثل ورزش است که اگر ورزش نکنی دیسک کمر می گیری. می گوید: یک تکانی به خودت بده، سختی کوچک را استقبال کن تا سختی بزرگ سراغت نیاید.

شما مبنای انقلابی گری را بگویید؛ ضمیر مرجعش را پیدا می کند

- اینها پایه های تقویت روحیه انقلابی است؛ به شیوه ای که مردم به شما نمی گویند: هر جا می روید، مدام شعار می دهید «انقلاب انقلاب!» و شما این طوری می توانید عمیقاً دیدگاه افراد را متحول کنید.
- مقام معظم رهبری که از انقلابی بودن سخن گفتند، و ما باید مبنای آن را برای مخاطبانمان بگوییم؛ اگر ما پایه های فکری مردم در دینداری را به سمت انقلابی گری ببریم؛ و مستقیم هم با برخی مسائل که در جامعه هست درگیر نشویم، ضمیر مرجع خودش را پیدا می کند. مردم وقتی سخن انقلابی و محکم و کاربردی بشنوند، سخن را شعاری یا جناحی تلقی نخواهند کرد.

